



رئاسة الشؤون الدينية  
بالمسجد الحرام والمسجد النبوي

# برپاداشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

فارسی

فارسی

إقامة البراهین علی حکم من استغاث بغير الله



تالیف

عبد العزیز بن عبد اللہ بن باز  
رحمہ اللہ



## إقامة البراهين

على حكم من استغاث بغير الله

برپاداشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که  
از غیر خدا طلب یاری می کند

علامه شیخ

عبد العزیز بن عبد الله بن باز

رحمه الله

بر پا داشتن دلایل درباره حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

## بسم الله الرحمن الرحيم

### در حکم مددخواهی از پیامبر صلی الله علیه و سلم

حمد و ستایش مخصوص الله متعال است، و صلوات و سلام بر رسول الله و آل و اصحابشان باد و هرکسی که به هدایت وی راه یافته است.

اما بعد: روزنامه‌ی «المجتمع کویت» در شماره‌ی ۱۵ خود، که در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۱۹ ه.ق، منتشر شد، ابیاتی را تحت عنوان: (در یادبود میلاد نبوی شریف) منتشر کرد. این ابیات شامل استغاثه به پیامبر صلی الله علیه و سلم و طلب یاری از او برای دریافتن امت و نصرت و رهایی آن از تفرقه و اختلاف بود، و با امضای کسی منتشر شد که خود را (آمنه) نامیده بود. این متن از ابیات مذکور است:

یا رسول الله، عالمی را دریاب... که جنگ را شعله‌ور می کند و در

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

آتش آن می سوزد

یا رسول الله، امتی را دریاب... که در تاریکی شک، شبش به درازا کشیده است

یا رسول الله، امتی را دریاب... که در سرگشتگی های غم و اندوه، رؤیاهایش گم شده است  
تا آنجا که می گوید:

پیروزی را شتاب بیخس، همان گونه که ... در روز بدر شتاب بخشیدی، هنگامی که پروردگارت را ندا دادی

پس خواری به پیروزیِ شگفت‌انگیزی بدل شد... به راستی که الله سپاهسانی دارد که آن‌ها را نمی بینی

این نویسنده اینچنین ندای استغاثه خود را به رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرستد، از او درخواست می کند که با تعجیل در پیروزی، امت

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

را دریابد، در حالی که فراموش کرده یا ناآگاه است که پیروزی تنها به دست الله است و نه به دست پیامبر صلی الله علیه وسلم و نه هیچ یک از مخلوقات دیگر، همان طور که الله متعال در کتاب روشن گر خود فرموده است: ﴿...وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ [آل عمران: ۱۲۶]، یعنی: (و پیروزی نیست جز از جانب الله شکست ناپذیر حکیم)، و الله متعال می فرماید: ﴿إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ...﴾ [آل عمران: ۱۶۰]، یعنی: (اگر الله شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد و [لی] اگر شما را به خود واگذارد، کیست که پس از او یاریتان کند؟).

و این عمل دعا و مددخواهی، انجام نوعی از انواع عبادت برای غیر الله متعال است؛ و به نص و اجماع معلوم شده است که این امر جایز

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

نیست، و الله سبحانه و تعالی مخلوقات را خلق نموده تا او را عبادت کنند، و پیامبران را فرستاده و کتاب‌های آسمانی را نازل کرده و این برای بیان آن عبادت و دعوت به سوی آن است، چنانکه الله سبحانه و تعالی فرموده است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶]، یعنی: (و جن و انس را فقط برای این آفریده‌ام که مرا عبادت کنند).

و الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...﴾ [النحل: ۳۶]، یعنی: (یقیناً ما در هر امتی، پیامبری را [با این پیام] برانگیختیم که: الله یکتا را عبادت کنید و از طاغوت (معبودان غیر الله) دوری کنید).

و الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾ [الأنبياء: ۲۵]، یعنی: (و ما پیش

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی کردیم که [به مردم بگوید]: معبودی [به حق] جز من (الله) نیست؛ پس تنها مرا عبادت کنید).

و الله متعال می فرماید: ﴿الر كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ﴿١﴾ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ﴿٢﴾﴾ [هود: ١، ٢]، یعنی: (الر (الف. لام. را). این [قرآن]، کتابی است که آیات آن استحکام یافته است و سپس از جانب حکیمی آگاه، به روشنی بیان شده است \* که جز الله را عبادت نکنید [که] بی تردید، من از سوی او برای تان بیم‌دهنده و بشارتگر هستم).

الله تعالی در این آیات محکم بیان کرده است که انسان‌ها و جنیان را جز برای عبادت خود نیافریده است، بی‌آنکه شریکی برای او باشد،



بر پا داشتن دلایل درباره حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

و روشن ساخته که پیامبران علیهم السلام را برای امر به این عبادت و نهی از ضد آن فرستاده است، و خبر داده که آیات کتابش را محکم و مفصل نموده است تا غیر او عبادت نشود.

و معلوم است که عبادت یعنی: توحید الله و اطاعت از او، با پیروی از اوامر او و ترک نواهی او، و الله متعال در آیات زیادی به این امر نموده و خبر داده است، از جمله: این سخن او سبحانه و تعالی که می فرماید: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ...﴾ [البینة: ۵]، یعنی: (و آنان فرمان نیافتند جز اینکه الله را عبادت کنند در حالی که دین [خود] را برای او خالص گردانند [و از شرک و عبادت معبودان باطل] به توحید روی آورند).

و همچنین الله عزوجل می فرماید: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ...﴾ [اسراء: ۲۳]، یعنی: (و پروردگارت چنین فرمان داده است که:

بر پا داشتن دلایل درباره حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

جز او را عبادت نکنید)، و می فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ  
فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿٢﴾ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا  
مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ  
يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ  
كَذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٤﴾﴾ [الزمر: ۲-۳]، یعنی: (این کتاب را به حق بر تو نازل  
کردیم؛ پس الله را مخلصانه عبادت کن \* آگاه باشید که دین خالص  
[و خالی از شرک]، از آنِ الله است و افرادی که غیر الله را [دوست و]  
کارساز خود انتخاب کرده اند [پندارشان این است که: «آنها را فقط  
به این دلیل عبادت می کنیم که ما را به الله نزدیک گردانند [و منزلتمان  
را بیشتر کنند]. الله در مواردی که با هم اختلاف دارند میان آنان [و  
موحدانِ راستین] داوری خواهد کرد. بی تردید، الله کسی را که  
دروغگوی ناسپاس باشد، هدایت نخواهد کرد).

بر پا داشتن دلایل درباره حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

آیات در این معنا بسیارند و همه دلالت بر وجوب اخلاص در عبادت فقط برای خداوند و ترک عبادت غیر از او اعم از پیامبران و دیگران دارند.

و بدون شک دعا از مهمترین و جامع ترین انواع عبادت است، پس واجب است که آن را خالصانه تنها برای الله انجام داد؛ چنانکه الله عز وجل می فرماید: ﴿فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ [غافر: ۱۴]، یعنی: [تنها] الله را مخلصانه بخوانید؛ هر چند برای کافران ناخوشایند باشد).

و الله عز وجل می فرماید: ﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ [الجن: ۱۸]، یعنی: (و اینکه مساجد از آن الله است، پس کسی را همراه با الله نخوانید). و این دستور به اختصاص دعا به الله شامل همه ی مخلوقات از جمله پیامبران و دیگران می شود؛ و همچنین

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

می فرماید: ﴿وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ

فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٦﴾ [یونس: ۱۰۶]، یعنی: (و به جای

الله، چیزی را که سود و زیانی به تو نمی رساند [به عبادت و نیازخواهی]

نخوان که اگر چنین کنی، قطعاً از ستمکاران [مشرك] خواهی بود). و

این گفته خطاب به پیامبر صلی الله علیه و سلم بوده و هدف از آن:

هشدار دادن به دیگران است؛ زیرا معلوم است که الله سبحانه و تعالی

رسولش را از شرک در امان داشته است، سپس الله تعالی در نهی و

هشدار شدت بخشید؛ و فرمود: ﴿...فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ

الظَّالِمِينَ ﴿١٠٦﴾ [یونس: ۱۰۶] (اگر چنین کنی، قطعاً از ستمکاران

[مشرك] خواهی بود). و ظلم وقتی به طور مطلق ذکر می شود، منظور

از آن شرک اکبر است؛ چنانکه الله متعال می فرماید: ﴿...وَالْكَافِرُونَ

هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٥٤﴾ [البقرة: ۲۵۴]، (وکافران همان ظالماتند). و الله

متعال می فرماید: ﴿...إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴿١٣﴾ [لقمان: ۱۳]، یعنی:

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

(یقیناً شرک، ستم بزرگی است). پس اگر رسول خدا؛ سرور فرزندان آدم علیه الصلاة والسلام غیر از الله را بخواند، از ستمکاران خواهد بود، چه رسد به دیگران؟!

از این آیات و غیره بر می آید که دعا و خواندن غیر از الله - اعم از مردگان و درختان و بت‌ها و غیره - شرک به الله عز و جل بوده و با توحید الله در عبادت که هدف از خلقت جن و انس و ارسال پیامبران و نزول کتاب‌ها است، منافات دارد و با معنای لا إله إلا الله که عبادت را از غیر الله نفی و برای الله وحده اثبات می کند، در تعارض است، چنانکه الله سبحانه و تعالی فرموده است: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ﴾ [الحج: ۶۲]، یعنی: (این به سبب آن است که الله حق است و آنچه را که [مشرکان] جز او می خوانند [همه] باطل هستند و الله بلندمرتبه‌ی بزرگ است).

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

و این اصل دین و اساس ملت است و عبادات صحیح نمی شوند مگر پس از صحت این اصل، چنانکه الله تعالی فرموده اند: ﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الزمر: ۶۵]، یعنی: (به تو و پیامبران پیش از تو وحی شده است که: اگر شرک بورزی، [پاداش] کارهایت قطعاً بر باد خواهد رفت و زیانکار خواهی شد).

و الله متعال می فرماید: ﴿...وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأنعام: ۸۸]، یعنی: (و اگر آنان شرک ورزیده بودند قطعاً آنچه انجام می دادند تباه می شد).

و از آنچه گذشت روشن می شود که دین اسلام و گواهی دادن به: (لا إله إلا الله) دو اصل بزرگ دارد:

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

**اول:** کسی جز الله پرستش نشود، که شریکی برای او نیست؛ پس هرکس مردگان از پیامبران و غیر آنان را بخواند، یا بت‌ها، یا درختان، یا سنگ‌ها، یا دیگر مخلوقات را بخواند، یا از آنان یاری بخواهد، یا با قربانی‌ها و نذورات به آنان تقرب جوید، یا برای آنان نماز بخواند، یا سجده کند؛ آنان را اربابانی غیر از الله گرفته و آنان را همتای او سبحانه و تعالی قرار داده و معنای لا إله إلا الله را نقض و نفی کرده است.

**دوم:** نباید الله متعال را جز به شریعت پیامبر و رسولش صلی الله علیه وسلم عبادت کرد، پس هرکس در دین بدعتی ایجاد کند که الله به آن اجازه نداده است؛ معنای شهادت به اینکه محمد رسول الله است را محقق نکرده و عملش به او سودی نمی‌رساند و پذیرفته نمی‌شود، الله جل جلاله می‌فرماید: ﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا﴾ [الفرقان: ۲۳]، یعنی: (و به [بررسی] کارهایشان می‌پردازیم و همه را [همچون] غباری پراکنده می‌سازیم)، و مقصود از

بر پا داشتن دلایل درباره حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

اعمال مذکور در آیه: اعمال کسی است که در حال شرک به الله عزوجل بمیرد.

و همچنین شامل اعمال بدعت آمیزی که الله به آنها اجازه نداده است نیز می شود، زیرا در روز قیامت به غباری پراکنده تبدیل می شوند، چون با شریعت پاک او موافق نبوده اند، چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «هر کس در این امر (دین) ما، چیزی جدید بیاورد که در آن نیست، [کارش] مردود است». (بخاری و مسلم) بر صحت آن اتفاق دارند.

خلاصه سخن این است که این نویسنده استغاثه و دعای خود را به رسول الله صلی الله علیه و سلم متوجه کرده و از پروردگار جهانیان که پیروزی و زیان و سود در دست اوست و در دست غیر او چیزی از این امور نیست، روی گردانده است.



بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

و شکی نیست که این ستمی بزرگ و وخیم است، و خدای عزوجل دستور داده که او را بخوانیم و به درگاه او دعا کنیم و وعده داده که دعای کسی که او را بخواند اجابت کند، و کسی که از آن تکبر ورزد را به ورود به جهنم تهدید کرده، همان طور که عز وجل فرموده‌اند:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [غافر: ۶۰]، یعنی:

(پروردگارتان فرموده‌اند: مرا به دعا بخوانید، تا [دعای] شما را اجابت کنم. کسانی که از عبادت من سرکشی می کنند، به زودی با خواری به جهنم وارد می شوند) داخرین: یعنی خوار و ذلیل به جهنم در آیند.

این آیه کریمه بر این دلالت دارد که دعا عبادت است و هر کس از آن تکبر ورزد، جایگاهش جهنم است. پس اگر این حال کسی است که از دعای الله تکبر ورزد، حال کسی که غیر او را به دعا بخواند و از او روی گرداند چگونه خواهد بود، در حالی که او سبحانه و تعالی

بر پا داشتن دلایل درباره حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

نزدیک، مالک همه چیز و قادر بر هر چیز است، چنانکه خدای سبحان فرموده است: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ (البقرة: ۱۸۶)، یعنی: (و [ای پیامبر] هرگاه بندگانم درباره‌ی من از تو بپرسند، [به آنان بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را - هنگامی که مرا بخواند - اجابت می‌کنم؛ پس [آنان فقط] باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند؛ باشد که راه یابند).

و پیامبر صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیح خبر داده است که دعا همان عبادت است و به پسر عمویش عبدالله بن عباس رضی الله عنهما فرمودند: «إِحْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظَكَ، إِحْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ تُجَاهَكَ، إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ»، یعنی: «الله را حفظ کن، تو را حفظ می‌کند؛ الله را حفظ کن، او را در مقابل خود خواهی

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

یافت؛ اگر درخواست کردی از الله درخواست کن و اگر یاری خواستی، از الله یاری بخواه». به روایت ترمذی و دیگران.

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَدْعُو لِلَّهِ نِدًّا؛ دَخَلَ النَّارَ» یعنی: «هر کسی بمیرد درحالی که همراه الله شریکی می خواند، داخل آتش (جهنم) می شود». به روایت بخاری.

در صحیحین روایت است که از پیامبر صلی الله علیه و سلم پرسیده شد: کدام گناه بزرگ تر است؟ فرمود: «أَنْ تَجْعَلَ لِلَّهِ نِدًّا وَهُوَ خَلَقَكَ»، یعنی: «اینکه برای الله همتایی قرار دهی، در حالی که او تو را آفریده است». ند: همان همتا و همانند است، پس هرکس غیر از الله را به فریاد خوانده یا از او مدد بخواهد یا برای او نذر کند یا برای او قربانی کند یا هر نوع عبادتی را که بیشتر ذکر شد به او اختصاص دهد، در

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

واقع او را همتا و همانند الله متعال قرار داده است، خواه آن غیرالله نبی باشد یا ولی یا فرشته یا جن یا بت یا هر مخلوق دیگری.

و در اینجا ممکن است کسی پرسد: حکم درخواست از انسان زنده و حاضر در آنچه که قادر به انجام آن است، و کمک خواستن در امور حسی که او قادر به انجام آن است، چیست؟

**پاسخ:** این از موارد شرک نیست، بلکه از امور عادی و جایز بین مسلمانان است، همان طور که خداوند در داستان موسی می فرماید:

﴿...فَاسْتَعَاثُهُ الَّذِي مِنْ شَيْعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ...﴾ [القصص: ۱۵]، یعنی: (پس کسی که از قوم او بود، علیه دشمنش از او (موسی) یاری خواست)، و همچنین در داستان موسی نیز می فرماید: ﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ...﴾ [القصص: ۲۱]، یعنی: (پس [موسی] ترسان و مراقب از آنجا بیرون رفت)، و همان طور که انسان در جنگ و دیگر

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

اموری که برای مردم پیش می آید و به یکدیگر نیازمند هستند، از یارانش کمک می خواهد.

و الله تعالی به پیامبرش صلی الله علیه وسلم امر فرمود که به امت خود بگوید که او مالک نفع و ضرری برای کسی نیست؛ الله متعال می فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا﴾ ﴿۲۰﴾ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ﴿۲۱﴾ [الجن: ۲۰، ۲۱]، یعنی: «بگو: بی گمان،

من نه می توانم زیانی به شما برسانم و نه خیر و سودی».

و الله متعال می فرماید: ﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ ﴿۱۸۸﴾ [الأعراف: ۱۸۸]، یعنی: [ای پیامبر،] بگو: من مالک سود و زیانی برای خویشتم نیستم، مگر آنچه را که الله بخواهد؛ و اگر غیب می دانستم، خیر [و سود]

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

بسیاری [برای خود] فراهم می‌ساختم و هیچ بدی [و زیانی] به من نمی‌رسید. من [کسی] نیستم، مگر بیم‌دهنده و بشارت‌دهنده‌ی [دلسوز] برای گروهی که ایمان دارند).

و در این معنا آیات بسیاری وجود دارند.

و از جمله امور معلوم و روشن این است که پیامبر صلی الله علیه وسلم جز پروردگارش را نمی‌خواند، چنانکه ثابت شده که در روز بدر از خداوند متعال طلب یاری می‌کرد و از او نصرت و پیروزی بر دشمنش را می‌خواست و در این امر اصرار می‌ورزید و می‌گفت: «یا رب! آنچه را که به من وعده داده‌ای، به انجام رسان». تا اینکه صدیق اکبر ابوبکر رضی الله عنه گفت: «کافی است ای رسول خدا، زیرا که خداوند آنچه را به تو وعده داده، به انجام خواهد رساند». خدای سبحان در این باره آیه نازل فرمود: ﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

مُؤْمِنًا بِأَلْفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّفِينَ ﴿٩﴾ [الأنفال: ٩]، یعنی:  
[روز بدر را به یاد آورید؛] آنگاه که از پروردگارتان فریادرسی [و یاری]  
می‌خواستید و او [درخواست] شما را پذیرفت [و فرمود]: بی گمان،  
شما را با هزار فرشته که پیایی فرود می‌آیند یاری می‌کنم).

خداوند در این آیه استغاثهٔ آن‌ها را برایشان یادآور شده و خبر داده که  
دعایشان را اجابت نموده و با فرشتگانش به یاری‌شان شتافته است؛ برای  
بشارت به پیروزی و آرامش. و بیان نموده است که پیروزی از جانب  
فرشتگان نیست، بلکه پیروزی از جانب اوست، پس فرمود: ﴿...وَمَا  
النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ...﴾ [آل عمران: ۱۲۶]، یعنی: (و پیروزی جز  
از جانب الله نیست).

و الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا  
اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢٣﴾ [آل عمران: ۱۲۳]، یعنی: (و [ای  
مؤمنان،] بی گمان، الله شما را در [جنگ] بدر در حالی یاری کرد که

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

[به سبب کمبود افراد و اسلحه] ناتوان بودید؛ پس از الله پروا کنید؛ باشد که شکر [نعمت‌هایش را] به جای آورید).

الله متعال در این آیه بیان می کند که او سبحانه و تعالی یاری‌دهنده آنان در روز بدر بود، و از این دانسته می شود که آنچه از سلاح و قدرت به آنان عطا کرد و آنچه از فرشتگان به یاری‌شان فرستاد، همه این‌ها از اسباب پیروزی و بشارت و آرامش است، و پیروزی از آن‌ها نیست، بلکه تنها از جانب الله است. پس چگونه این نویسنده یا دیگران جرأت می کنند پیامبر صلی الله علیه وسلم را به فریاد بخوانند و از ایشان درخواست پیروزی کنند و از پروردگار جهانیان که مالک و قادر بر همه چیز است روی گردان شوند؟

بدون شک این از زشت‌ترین جهالت‌ها و بلکه از بزرگ‌ترین شرک‌ها است، پس بر نویسنده واجب است که به درگاه الله سبحانه و تعالی توبهٔ نصوح کند.



بر پا داشتن دلایل درباره حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

و توبه نصوح شامل چند امر است، که عبارتند از:

**نخست:** پشیمانی بابت گناهایی که از او سر زده.

**دوم:** دست کشیدن از آنچه رخ داده.

**سوم:** عزم جدی برای عدم تکرار آن، به منظور بزرگداشت خدا و اخلاص برای او، و پیروی از دستوراتش، و برحذر بودن از آنچه نهی کرده است، این است توبه نصوح. و یک امر چهارم نیز وجود دارد که ویژه زمانی است که در حق انسان‌ها بدی روا داشته باشد و آن:

**چهارم:** بازگرداندن حق به مستحق آن، یا طلب حلالیت از او است.

الله متعال بندگانش را به توبه امر کرده و وعده‌ی پذیرش آن را داده است، چنانکه فرموده است: ﴿...وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۳۱﴾ [النور: ۳۱]، یعنی: (و ای مؤمنان همگی به

سوی الله توبه کنید؛ باشد که رستگار گردید)، و در مورد نصرانیان

می فرماید: ﴿أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ

رَحِيمٌ ﴿۷۴﴾ [المائدة: ۷۴]، یعنی: (آیا به سوی الله باز نمی گردند و از او

طلب آمرزش نمی کنند؟ حال آنکه الله آمرزنده‌ی مهربان است).

و الله تعالی می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا

يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ

يَلْقَ أَثَامًا ﴿۶۸﴾ يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا ﴿۶۹﴾

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ

حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۷۰﴾ [الفرقان: ۶۸-۷۰]، یعنی:

(و [بندگان رحمان] کسانی هستند که معبودی دیگر با الله نمی خوانند و

کسی که الله [کشتنش را] حرام کرده است، جز به حق نمی کشند و

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

زنا نمی کنند؛ و هر کس این [گناهان] را مرتکب شود، کیفر گناه [خویش] را می بیند \* روز قیامت، عذابش دوچندان می گردد و با خواری در آن [عذاب] جاودان می ماند \* مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کاری شایسته انجام دهد؛ اینانند که الله بدی هایشان را به نیکی ها تبدیل می کند و الله همواره آمرزگاری مهربان است).

و الله تعالی می فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾ [الشوری: ۲۵]، یعنی: (اوست که توبه ی بندگانش را می پذیرد و از بدی ها درمی گذرد و آنچه انجام می دهید را می داند).

و در حدیث صحیحی از رسول خدا صلی الله علیه و سلم روایت است که فرمودند: «الإِسْلَامُ يَهْدِيهِمْ مَا كَانَ قَبْلَهُ، وَالتَّوْبَةُ تُجِبُّ مَا كَانَ

بر پا داشتن دلایل درباره حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

قَبَلَهَا» یعنی: «اسلام هر آنچه قبل از آن بوده را از بین می برد و توبه نیز هر آنچه قبل از آن بوده را پاک می کند».

و این کلمات مختصر را نگاشته ام؛ به دلیل بزرگی خطر شرک و اینکه شرک از بزرگترین گناهان است، و همچنین از بیم اینکه عده ای فریب این نویسنده را بخورند، و به دلیل وجوب خیرخواهی برای [دین] الله و بندگانش. از الله جل جلاله می خواهم که آن را سودمند بگرداند، و احوال ما و احوال همه مسلمانان را اصلاح کند، و بر ما و همه مسلمانان فقه در دین و ثبات بر آن ارزانی دارد، و ما و مسلمانان را از شرارت های نفس و بدی های اعمالمان پناه دهد، همانا او ولی و قادر بر این امر است.

و درود و سلام و برکات الله بر بنده و پیامبرش، پیامبرمان محمد و آل و اصحابشان باد.



## در مورد حکم مددخواهی از جن و شیاطین و نذر برای آنها

از عبدالعزیز بن عبدالله بن باز به هر مسلمانی که این را می بیند، الله من و ایشان را برای تمسک به دینش و پایداری بر آن توفیق دهد، آمین.

سلام و رحمت الهی و برکاتشان بر شما باد، اما بعد:

برخی از برادران از من دربارهٔ اعمالی که برخی از جاهلان انجام می دهند، پرسیدند؛ از جمله دعا کردن و حاجت خواستن از غیر خداوند سبحان، و درخواست کمک در امور مهم؛ مانند دعا و استغاثه و فریادخواهی از جن، نذر کردن برای آنها و ذبح کردن برای آنها. و از جمله این نیز، سخن برخی از آنها است که می گویند: (ای هفت نفر)، یعنی: هفت نفر از سران جن او را بگیرید، استخوان هایش را بشکنید، خونسش را بنوشید، او را قطعه قطعه کنید، ای هفت نفر با او چنین کنید،

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

یا این گفتهٔ برخی از آن‌ها: (بگیریدش ای جن‌های ظهر، ای جن‌های عصر)، و این در برخی مناطق جنوبی بسیار دیده می‌شود، و از جمله موارد مرتبط با این موضوع: دعا کردن و حاجت خواستن از مردگان اعم از پیامبران و صالحان و دیگران، و دعا کردن و درخواست کمک از فرشتگان است، همهٔ آنچه بیان شد و سخنان مشابه آن از سوی کسانی سر می‌زند که منتسب به دین اسلام هستند، و از روی نادانی و یا تقلید از پیشینیان این کلمات را بر زبان جاری می‌سازند و شاید برخی از آنان در این موضوع سهل‌انگاری نموده و به این گفته استناد کنند: آنچه می‌گوییم سخنی است که بر زبان جاری می‌شود و اعتقاد و باوری به آن نداریم.

و همچنین از من دربارهٔ حکم ازدواج با کسانی که به انجام این اعمال شناخته شده‌اند، پرسیدند، و اینکه آیا ذبایح آنها و نماز خواندن بر آنان و پشت سر آنان و تصدیق جادوگران و فالگیران؛ مانند کسی که

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

ادعای شناخت بیماری و علل آن را صرفاً با مشاهده‌ی چیزی دارد که بدن بیمار را لمس کرده است؛ مانند عمامه، شلوار، مقنعه و امثال آن؛ جایز است؟

**پاسخ:** ستایش تنها از آنِ الله است و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست و بر آل و اصحابشان و تمام کسانی باد که تا روز قیامت به پیروی از ایشان راه یافتند، اما بعد:

الله سبحانه و تعالی ثقلین [جنیان و انسان‌ها] را خلق نموده است تا او را عبادت کنند و هیچ چیزی جز او را عبادت نکنند و او را در دعا و مددخواهی، ذبح و نذر و سایر عبادات مختص نمایند. الله متعال پیامبران را با این رسالت فرستاده و آنها را به این امر فرمان داده است و کتاب‌های آسمانی که بزرگ‌ترین آنها قرآن کریم است را برای بیان این

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

موضوع و دعوت به آن نازل کرده است، و مردم را از شرک به الله و عبادت غیر او برحذر داشته است.

و این پایه‌ای ترین اصل و اساس امت و دین است، و این همان معنای گواهی لا اله الا الله است، و معنای حقیقی آن اینست که: هیچ معبود بر حقی جز الله وجود ندارد است، که الوهیت و عبادت را از غیر الله نفی کرده و آن را - یعنی عبادت را - فقط برای الله اثبات می کند، و نه هیچکسی جز او از سایر مخلوقات.

و ادله بر این موضوع از کتاب خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم بسیار فراوان است، از جمله: این سخن الله جل جلاله که: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶]، یعنی: (وجن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا عبادت کنند)، و می فرمایند: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ...﴾ [الإسراء: ۲۳]، یعنی: (و



بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

پروردگارت چنین فرمان داده است که: جز او را عبادت نکنید و به پدر و مادر [تان] نیکی کنید، و اینکه می فرمایند: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءً...﴾ [البینة: ۵]، یعنی: (و به آنان فرمان داده نشد، جز اینکه الله را عبادت کنند در حالی که دین [خود] را برای او خالص گردانند [و از شرک و عبادت معبودان باطل] به توحید روی آورند).

و می فرمایند: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [غافر: ۶۰]، یعنی: (پروردگارتان فرمود: مرا به دعا بخوانید، تا [دعای] شما را اجابت کنم. کسانی که از عبادت من سرکشی می کنند، به زودی با خواری به جهنم وارد می شوند).

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

و الله تعالى می فرمایند: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ...﴾ [البقرة: ۱۸۶]، یعنی: (و [ای پیامبر]، هرگاه بندگانم درباره‌ی من از تو پرسند، [به آنان بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را - به هنگام خواندن من - اجابت می کنم).

خداوند سبحان در این آیات بیان کرده است که انسان‌ها و جنیان را برای عبادتش آفریده و در قرآن و بر زبان رسولش صلی الله علیه وسلم به بندگانش امر و توصیه کرده است که جز پروردگارش را عبادت نکنند.

و الله جل و علا بیان نمود که دعا عبادتی بزرگ است، و هر کس از آن تکبر ورزد، وارد آتش می شود. و بندگانش را امر نمود که تنها او را به دعا بخوانند، و خبر داد که او نزدیک است و دعای آنان را اجابت می کند. بنابراین بر همه‌ی بندگان واجب است که تنها پروردگارش را

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

به دعا اختصاص دهند؛ زیرا این نوعی از عبادت است که برای آن آفریده شده‌اند و به آن امر شده‌اند. و فرموده‌اند: ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾﴾ [الأنعام: ١٦٢، ١٦٣]، «بگو: بی‌تردید، نماز و قربانی‌های من و زندگی و مرگم همه برای الله پروردگار جهانیان است \* شریکی برای او نیست و به این مأمور شده‌ام و من نخستین مسلمانم).

پس خداوند به پیامبر خود صلی الله علیه وسلم دستور داده که به مردم اعلام کند که نماز و نسکشان - که همان ذبح و قربانی کردن حیوان است - و زندگی و مرگشان برای الله پروردگار جهانیان است که شریکی ندارد. بر این اساس، هر کس برای غیر الله قربانی کند، به الله شرک آورده است، همان‌طور که اگر برای غیر الله نماز بخواند؛ زیرا

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

خداوند سبحان نماز و قربانی کردن را در کنار هم ذکر نموده و بیان کرده است که این دو تنها برای الله است که هیچ شریکی ندارد.

پس هر کس برای غیر الله اعم از جن و فرشتگان و مردگان و دیگران قربانی کند و به این وسیله به آنان تقرب جوید، مانند کسی است که برای غیر الله نماز می خواند. و در حدیث صحیح آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الله متعال کسی را که برای غیر الله قربانی می کند، لعنت کرده است».

و همچنین امام احمد با سند "حَسَن" از طارق بن شهاب رضی الله عنه روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «دو مرد از نزد قومی گذشتند و آنان بتی داشتند که هیچ کس از آن نمی گذشت، مگر اینکه چیزی برایش قربانی کند، به یکی از آن دو گفتند: قربانی کن. گفت: چیزی ندارم که قربانی کنم، گفتند: حتی مگسی هم باشد

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

قربانی کن، پس مگسی قربانی کرد و راهش را باز کردند، پس وارد دوزخ شد، و به دیگری گفتند: قربانی کن. گفت: هرگز برای کسی جز الله جل جلاله چیزی قربانی نمی کنم، پس گردنش را زدند و وارد بهشت شد.»

اگر کسی با قربانی کردن مگس و امثال آن برای بت و مانند آن سعی در تقرب داشته باشد مشرک شده و سزاوار ورود به آتش می گردد، پس چگونه است حال کسی که جن و فرشتگان و اولیا را می خواند و از آنها یاری می طلبد و برای آنها نذر می کند و با قربانی کردن حیوانات به آنها تقرب می جوید به امید حفظ مال، یا شفای بیمار خود، یا سلامتی چهارپایان و زراعتش؟ و چگونه است حال کسی که این کارها را از ترس شر جن یا امثال آن انجام می دهد؟! بدون شک کسی که این اعمال و امثال آن را انجام می دهد، سزاوارتر است که مشرک شده و مستحق ورود به آتش باشد نسبت به آن مردی که مگس را برای بت قربانی کرد.

بر پا داشتن دلایل درباره حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

و از جمله کلام الله جل جلاله که در این باره نازل شده: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿٢﴾ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٣﴾﴾ [الزمر: ۲-۳]، یعنی: (بی گمان ما [این] کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، پس الله را پرستش کن و دین را برای او خالص گردان \* آگاه باشید که دین خالص [و خالی از شرک]، از آن الله است و افرادی که غیر الله را [دوست و] کارساز خود انتخاب کرده‌اند [پندارشان این است که] آنها را فقط به این دلیل عبادت می‌کنیم که ما را به الله نزدیک گردانند [و منزلتمان را بالاتر ببرند]. الله در مواردی که با هم اختلاف دارند میان آنان [و موحدان] راستین [داوری خواهد کرد. بی تردید، الله کسی را که دروغگوی ناسپاس باشد، هدایت نخواهد کرد].

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

و الله تعالى می فرماید: ﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَنْتَبِئُوكُمُ اللَّهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٨﴾﴾

[یونس: ۱۸]، یعنی: (و [مشرکان] به جای الله چیزهایی را عبادت می کنند که نه به آنان زیانی می رساند و نه سودی به آنان می بخشد و می گویند: اینها، [واسطه ها و] شفاعتگران ما نزد الله هستند. [ای پیامبر] بگو: آیا [به گمان خود،] الله را از چیزی (شریکی) آگاه می سازید که در آسمانها و زمین [برایش قائلید و خود] نمی داند؟ او تعالی منزّه است و از چیزهایی که با وی شریک می سازند، برتر است).

خداوند سبحان در این دو آیه خبر می دهد که مشرکان به غیر از خداوند برای خود اولیایی از میان مخلوقات برگزیده اند و همراه با خداوند آن ها را از طریق ترس، امید، قربانی، نذر، دعا و امثال آن عبادت می کنند، به این گمان که آن اولیا کسانی که عبادتشان می کنند آن ها را

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

به خدا نزدیک می کنند و نزد او از آن‌ها شفاعت می کنند. سپس خداوند سبحان آنها را تکذیب کرده و باطل بودن ادعایشان را روشن ساخته و آنان را دروغگو، کافر و مشرک نامیده و خود را از شرکشان منزّه دانسته است، و فرموده: ﴿...سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [النحل: ۱]، یعنی: (او منزّه است و از چیزهایی که با وی شریک می سازند برتر است).

پس دانسته شد که هر کس پادشاهی، یا پیامبری، یا جنی، یا درختی، یا سنگی را به همراه الله متعال بخواند و از او یاری طلبد و به او با نذر و ذبح تقرب جوید، به امید شفاعتش نزد الله، یا نزدیکی به او، یا امید بهبودی بیمار، یا حفظ مال، یا سلامتی غایب، یا اموری مشابه؛ به این شرک بزرگ و بلای وخیم گرفتار شده است که الله متعال درباره آن فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۴۸].



بر پا داشتن دلایل درباره حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

یعنی: (بی گمان، الله این گناه را که به او شرک آورده شود نمی بخشد و غیر از آن را - برای هرکس بخواهد - می بخشد؛ و هرکس به الله شرک ورزد، یقیناً گناهی بزرگ برافته است).

و الله متعال می فرماید: ﴿...إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ [المائدة: ۷۲]، یعنی: (بی تردید، هرکس به الله شرک آورد، الله بهشت را بر او حرام کرده است و جایگاهش دوزخ است و ستمکاران را یآوری نیست).

و شفاعت تنها در روز قیامت برای اهل توحید و اخلاص حاصل می شود، نه برای اهل شرک، چنانکه پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند وقتی به او گفته شد: ای رسول خدا، چه کسی سعادتمندترین مردم به شفاعت شماست؟ فرمود: «کسی که «لا اله الا الله» را خالصانه از دلش بگوید».

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: «لِكُلِّ نَبِيٍّ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ، فَتَعَجَّلْ كُلُّ نَبِيٍّ دَعْوَتَهُ، وَإِنِّي اخْتَبَأْتُ دَعْوَتِي شَفَاعَةً لِأُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَهِيَ نَائِلَةٌ - إِنْ شَاءَ اللَّهُ - مَنْ مَاتَ مِنْ أُمَّتِي لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا»: یعنی: «هر پیامبری دعایی مستجاب دارد که آن را به درگاه خداوند استفاده کرده و اجابت شده است؛ و من دعایم را برای شفاعت اتم در روز قیامت ذخیره کردم و این شفاعت - ان شاء الله - شامل حال کسی می شود که از اتم بمیرد و هیچ چیزی را شریک خداوند قرار ندهد».

و مشرکان نخستین به این ایمان داشتند که الله پروردگار و خالق و رازق آنهاست، اما به پیامبران و اولیا و فرشتگان و درختان و سنگ ها و امثال آن متوسل می شدند، به امید شفاعت آنها نزد الله و نزدیک گردیدن به او، همانطور که در آیات پیشین آمده است، پس خداوند

بر پا داشتن دلایل درباره حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

آن‌ها را به این دلیل معذور ندانست، بلکه در کتاب بزرگ خود این کار آن‌ها را مردود دانسته و آنان را کافر و مشرک نامید و ادعای آن‌ها را که این معبودان برایشان شفاعت می‌کنند و آن‌ها را به الله نزدیک می‌گردانند، تکذیب کرد.

و پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم نیز آن‌ها را معذور ندانست، بلکه پیامبر صلی الله علیه وسلم با آن‌ها بر سر این شرک جنگید تا عبادت را خالصانه برای الله یکتا انجام دهند، و به این فرموده خداوند عمل کردند: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئْتَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ﴾ [البقرة: ۱۹۳]، یعنی: (و با آنها بجنگید تا فئته [= شرک] باقی نماند و دین، [خالصانه] از آنِ الله گردد. پس اگر دست برداشتند، [ستم نکنید که] [ستم، جز بر ستمکاران روا نیست).

و رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «أُمِرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ

بر پا داشتن دلایل درباره حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَيُقِيمُوا  
الصَّلَاةَ، وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ  
إِلَّا بِحَقِّ الْإِسْلَامِ، وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ»، یعنی: «امر شده‌ام با مردم  
بجنگم تا آنکه شهادت دهند معبودی [به حق] جز الله نیست و اینکه  
محمد فرستاده‌ی الله است و نماز را بر پا دارند و زکات را پردازند، پس  
چون چنین کردند، جان‌ها و اموالشان را از من حفظ کرده‌اند مگر به  
حق اسلام؛ و حسابشان با الله است». و معنای سخن رسول خدا صلی  
الله علیه و سلم: «تا گواهی دهند که معبودی به حق نیست جز الله»  
یعنی: تا عبادت را تنها برای الله خالص گردانند و هیچ کس دیگر را در  
آن شریک نسازند.

و مشرکان از جن‌ها می‌ترسیدند و به آنها پناه می‌بردند؛ الله متعال در  
این باره آیه نازل فرمود: ﴿وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالِ

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

مِنَ الْجِنَّ فَرَادُوهُمْ رَهَقًا ﴿٦﴾ [الجن: ٦]، یعنی: (و اینکه مردانی از آدمیان به مردانی از جنیان پناه می‌بردند، پس آن‌ها به گمراهی و سرکشی‌شان افزودند)، اهل تفسیر در مورد این آیه کریمه می‌فرمایند: معنای آن چنین است: ﴿...فَرَادُوهُمْ رَهَقًا﴾ یعنی: وحشت و ترس آنها را بیشتر کردند؛ زیرا جن‌ها در خود تعظیم و تکبر می‌کنند، هنگامی که می‌بینند انسان‌ها به آنها پناه می‌برند، و در این هنگام بر ترساندن و وحشت‌افکنی آنها می‌افزایند، تا عبادت و پناه‌بردن به آنها را بیشتر کنند. و الله متعال به مسلمانان به جای آن، استعاذه به خود و به کلمات تمام و کاملش را عطا کرده است و در این باره فرموده است: ﴿وَأَمَّا يَنْزِعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [الأعراف: ٢٠٠]، یعنی: (و اگر وسوسه‌ای از سوی شیطان به تو رسید، به الله پناه ببر [که] بی‌تردید، او شنوای داناست).

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

و الله جل جلاله می فرماید: ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ [الفلق]:

[۱]، یعنی: [ای پیامبر،] بگو: به پروردگار سپیده دم پناه می برم).

از رسول خدا صلی الله علیه و سلم به صورت صحیح روایت شده است که فرمودند: «هر کسی در جایی اتراق کرد و گفت: «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ» یعنی: (پناه می برم به کلمات تمام و کامل الله متعال از شر آنچه آفریده است)، هیچ چیزی به او زیان نمی رساند تا زمانی که از آن مکان کوچ کند».

از آیات و احادیثی که پیشتر ذکر شد، طالب نجات و کسی که خواهان حفظ دین خود و رهایی از شرک است، مسایل بزرگ و کوچک آن را درمی یابد؛ که تعلق به مردگان و فرشتگان و جن و دیگر مخلوقات، و دعا و مددخواهی به آنها و امثال آن، از اعمال اهل جاهلیت مشرکان است و از زشت ترین انواع شرک به الله سبحانه و تعالی می باشد، بنابراین

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

واجب است که آن را ترک کرده و از آن حذر نمود و به ترک آن توصیه کرد و بر کسی که آن را انجام می دهد، انکار نمود.

چنانچه در میان مردم کسی که به این اعمال شرک آمیز شناخته شده باشد: نه ازدواج با او جایز است، و نه خوردن ذبیحه اش، و نه نماز خواندن بر او، و نه نماز خواندن پشت سر او، تا زمانی که به درگاه الله سبحانه و تعالی از آن کرده های خود توبه کند و دعا و عبادت را خالصانه برای الله متعال انجام دهد، و دعا همان عبادت است، بلکه مغز آن است، چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «دعا همان عبادت است»، و از او صلی الله علیه و سلم در لفظ دیگری روایت شده که فرمود: «دعا اساس و هسته ی عبادت است».

اما در مورد ازدواج با مشرکان: خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَا

تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَا مَؤْمِنَةٌ حَتَّىٰ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

أَعَجَبْتُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ  
مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى  
الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٢١﴾

[البقرة: ۲۲۱]، (و [ای مؤمنان] با زنان مشرک تا ایمان نیاورده‌اند ازدواج

نکنید؛ و بی‌گمان، کنیز مؤمن، از زن [آزاد] مشرک بهتر است؛ گرچه

[زیبایی یا دارایی‌اش] مورد پسندتان واقع گردد؛ و [زنان مسلمان را] به

ازدواج مردان مشرک درنیاورید، مگر آنکه ایمان بیاورند؛ و قطعاً برده‌ی

مؤمن، از مرد [آزاد] مشرک بهتر است؛ گرچه شیفته‌ی [دارایی و

موقعیت] او شده باشید. آنان به سوی آتش [دوزخ] فرا می‌خوانند و الله

به فرمان [و توفیق] خویش به سوی بهشت و آمرزش دعوت می‌کند و

آیات [و احکام] خویش را برای مردم روشن می‌سازد؛ باشد که پند

گیرند).

الله سبحانه و تعالی مسلمانان را از ازدواج با زنان مشرک، از جمله



بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

عبادت کنندگان بت‌ها، جن، فرشتگان و غیره، نهی کرده است تا زمانی که به اخلاص عبادت برای الله یکتا ایمان آورند و رسول الله صلی الله علیه و سلم را در آنچه آورده است، تصدیق کنند و از راه او پیروی نمایند. و از ازدواج مردان مشرک با زنان مسلمان نهی کرده است تا زمانی که به اخلاص عبادت برای الله یکتا ایمان آورند و رسول الله صلی الله علیه و سلم را تصدیق کنند و از او پیروی نمایند.

و الله سبحانه و تعالی خبر داده است که کنیز مؤمن بهتر از زن آزاد مشرک است، حتی اگر کسی که به او نگاه می‌کند و سخنش را می‌شنود، به خاطر زیبایی و شیرینی کلامش از او خوشش بیاید؛ و برده‌ی مؤمن بهتر از مرد آزاد مشرک است، حتی اگر شنونده‌ی وصفش و بیننده‌اش به خاطر زیبایی، فصاحت و شجاعت و دیگر ویژگی‌هایش از او خوشش بیاید. سپس دلایل این برتری را با گفتار خود روشن می‌سازد. ﴿أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى التَّارِ﴾ یعنی: (آنان به سوی دوزخ فرا

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

می خوانند) یعنی: مردان و زنان مشرک؛ زیرا آنان با گفتارها، کردارها، سیرت و اخلاقشان دعوت کنندگان به سوی آتش اند، اما مردان و زنان مؤمن با اخلاق، اعمال و سیرتشان دعوت کنندگان به سوی بهشت اند، پس چگونه اینان و آنان یکسان باشند!

و اما در مورد نماز بر مشرکان: الله متعال در شأن منافقان می فرماید:

﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ﴾ (التوبة: ۸۴)، یعنی: (و هرگز بر هیچ مُرده‌ای از آنان نماز نخوان و [برای دعا خواندن و طلب آمرزش] بر سر قبرش نایست؛ [چرا که] بی‌تردید، آنان به الله و پیامبرش کفر ورزیده‌اند و در حالی مُردند که نافرمان بودند)، الله متعال در این آیه‌ی کریمه روشن ساخته است که بر منافق و کافر نماز خوانده نمی‌شود؛ به دلیل کفرشان به الله و رسولش، و همچنین پشت سر آنها نماز خوانده نمی‌شود و آنها به عنوان امامان مسلمانان قرار داده نمی‌شوند؛ به دلیل

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

کفرشان و عدم امانت‌داریشان، و به خاطر دشمنی بزرگی که بین آنها و مسلمانان وجود دارد؛ زیرا آنها در زمره‌ی اهل نماز و عبادت نیستند؛ زیرا کفر و شرک هیچ عملی را باخود باقی نمی‌گذارند، از الله متعال برای ارتکاب این گناهان عافیت می‌طلبیم.

و اما خوردن گوشت حیوانی که مشرکان قربانی کرده‌اند: الله جل جلاله در بیان تحریم مردار و ذبایح مشرکان فرموده است: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَآئِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ﴿۱۲۱﴾ [الأنعام: ۱۲۱]، یعنی: [و [ای مؤمنان]، از آنچه [هنگام ذبح] نام الله بر آن برده نشده است نخورید؛ چرا که آن [کار] قطعاً نافرمانی است؛ و در حقیقت، شیاطین به دوستان خود القا می‌کنند که با شما [در این مورد] مجادله نمایند؛ و اگر از آنان اطاعت کنید، قطعاً شما [نیز در زمره‌ی] مشرکان هستید).

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

پس الله جل جلاله مسلمانان را از خوردن مردار و قربانی مشرک نهی کرده است؛ زیرا نجس است و قربانی او حکم مردار را دارد، حتی اگر نام الله بر آن برده شود؛ زیرا نام بردن از الله توسط او باطل بوده و اثری ندارد؛ زیرا قربانی کردن عبادت است و شرک عبادت را باطل می کند، تا زمانی که مشرک به سوی الله سبحانه و تعالی توبه کند. و جز این نیست که الله جل جلاله غذای اهل کتاب را در این سخن حق تعالی حلال کرده است: ﴿...وَوَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَوَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ...﴾ [المائدة: ۵]، یعنی: (و [ذبایح و] غذای اهل کتاب برای شما حلال است).

زیرا که آنها به دینی آسمانی منتسب می شوند و ادعا می کنند که پیروانان موسی و عیسی هستند، هرچند که در این ادعا دروغ می گویند و خداوند دین آنها را با بعثت محمد صلی الله علیه و سلم به سوی مردم به طور عام نسخ و باطل کرده است. اما خداوند جل جلاله غذای اهل

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

کتاب و زنانشان را برای ما حلال کرده است؛ به خاطر حکمتی کامل و اسراری که اهل علم آن را روشن کرده‌اند، برخلاف مشرکان از عبادت‌کنندگان بت‌ها و مردگان، از پیامبران و اولیا و غیره؛ زیرا دین آنها هیچ اصلی ندارد و هیچ شبهه‌ای در آن نیست، بلکه از اساس باطل است، بنابراین ذبیحه‌ی آنان مردار است و خوردن آن جایز نیست.

و اما گفتار شخص به مخاطبش که: «جن تو را گرفته»، «جن تو را برده»، «شیطان تو را ربوده»، و امثال آن، این از باب دشنام و ناسزا است و این بین مسلمانان جایز نیست، مانند سایر انواع دشنام و ناسزا و این از باب شرک نیست، مگر اینکه گوینده‌ی آن معتقد باشد که جن‌ها بدون اذن و مشیت الله در انسان‌ها تصرف می‌کنند، پس هر کس چنین اعتقادی درباره‌ی جن یا دیگر مخلوقات داشته باشد، با این اعتقاد کافر است؛ زیرا الله سبحانه و تعالی مالک همه چیز و قادر بر هر چیزی است و اوست که نفع و ضرر می‌رساند و هیچ چیزی جز به اذن و مشیت و

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

تقدیر پیشین او وجود ندارد، همان طور که الله جل جلاله به پیامبرش صلی الله علیه و سلم امر فرمود که این اصل بزرگ را به مردم اعلام کند: ﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۸]، یعنی: [ای پیامبر،] بگو: من مالک سود و زیان خویشتن نیستم، مگر آنچه را که الله بخواهد؛ و اگر غیب می دانستم، خیر [و سود] بسیاری [برای خود] فراهم می ساختم و هیچ بدی [و زبانی] به من نمی رسید. من [کسی] نیستم، مگر بیم دهنده و بشارت دهنده ی [دلسوز] برای گروهی که ایمان دارند).

پس اگر سرور و برترین مخلوقات، محمد صلی الله علیه و سلم برای خود مالک هیچ نفع و ضرری نیست، مگر آنچه که الله متعال بخواهد، چه رسد به دیگر مخلوقات؟! و آیات در این معنا بسیار است.

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

و اما پرسیدن از غیبگویان، جادوگران، منجمان و امثال آنان که ادعای خبر از غیبات دارند، منکر است و جایز نیست، و تصدیق آنان شدیدتر و انکارآمیزتر است، بلکه این از شعبه‌های کفر است؛ به دلیل فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه وسلم: «هرکس نزد عَرَّاف و غیبگویی برود و از او در مورد چیزی سوال کند، به مدت چهل روز، هیچ نمازی از او قبول نمی‌شود». این حدیث را مسلم در صحیح خود روایت کرده، و در صحیحش - نیز - از معاویه بن حَکَم سلمی رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم از رفتن نزد فالگیران و پرسیدن آنان نهی کردند.

و اهل سنن از رسول خدا صلی الله علیه و سلم روایت کرده‌اند که فرمودند: «هرکس نزد غیبگویی برود و او را در آنچه می‌گوید تصدیق کند، درحقیقت به آنچه بر محمد نازل شده، کفر ورزیده است».

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

و احادیث در این معنا فراوان است.

واجب بر مسلمانان این است که از سوال کردن از غیبگویان و فالگیران و سایر جادوگران که به اخبار از غیبات و فریب دادن مسلمانان مشغولند، چه به نام طبابت و چه غیر آن، پرهیز کنند، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم از این کار نهی کرده و نسبت به آن هشدار داده‌اند.

و آنچه مشمول این موضوع می‌شود: ادعای غیب‌دانی است که برخی به نام طبابت و درمان مطرح می‌کنند، وقتی عمامه بیمار یا روسری بیمار را بو می‌کنند یا چیزی شبیه به آن، می‌گویند: این بیمار یا آن بیمار چنین کرده و چنان کرده، و از امور غیبی سخن می‌گویند که در عمامه بیمار و مانند آن دلالت و علامتی بر آن نیست، بلکه هدف از این کار فریب دادن عوام است تا بگویند: او در طب و انواع بیماری و علت‌های آن آگاه است، و شاید چیزی از داروها به آن‌ها بدهد و شاید به خواست



بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

خدا آن دارو مؤثر واقع شود و گمان کنند که به سبب داروی او بوده است.

و شاید بیماری به سبب برخی از جن‌ها و شیاطین باشد که به آن مدعی طبابت خدمت می‌کنند و او را از برخی امور غیبی که بر آنها مطلع می‌شوند، آگاه می‌سازند. او نیز بر این اساس تکیه می‌کند و جن و شیاطین را با عبادتی که مناسب آنهاست، راضی می‌سازد، و در نتیجه آنها از آن بیمار دست می‌کشند و آنچه از اذیت و آزار با او داشته‌اند، رها می‌کنند. این چیزی است که درباره‌ی جن و شیاطین و کسانی که آنها را به کار می‌برند، شناخته شده است.

بر مسلمانان واجب است که از آن پرهیز کنند و یکدیگر را به ترک آن توصیه نمایند و بر خداوند سبحان توکل نموده و در همهٔ امور به او اعتماد کنند. استفاده از رقیه‌های شرعی و داروهای مجاز اشکالی ندارد

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

و درمان نزد پزشکانی که با استفاده از روش‌های حسی و معقول به معاینهٔ بیمار و اطمینان از بیماری او می‌پردازند، جایز است. از پیامبر صلی الله علیه و سلم به‌طور صحیح نقل شده که فرمودند: «الله دردی نازل نکرده مگر آنکه برایش درمانی نازل کرده است، هر آنکه (به آن پی برد و) دانست، دانست و هر آنکه (به آن پی نبرد و) ندانست، ندانست».

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: «برای هر دردی دواپی است، پس هرگاه دواپی پیدا شود، به اذن الله بهبودی حاصل می‌شود». و رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: «ای بندگان الله، مداوا کنید و با آنچه حرام است درمان نکنید». و احادیث در این معنا پرشمار است.

بر پا داشتن دلایل درباره حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

از الله جل جلاله خواهانیم که احوال همه مسلمانان را اصلاح کند، و قلبها و بدنهایشان را از هر بدی شفا دهد، و آنان را بر هدایت جمع کند، و ما و آنان را از فتنه‌های گمراه‌کننده و از پیروی شیطان و اولیای او پناه دهد، همانا او بر هر چیزی تواناست، و هیچ حول و قوه‌ای نیست مگر به الله علی عظیم.

و درود و سلام و برکات الله بر بنده و پیامبرش، پیامبرمان محمد و بر آل و اصحابشان باد.

\*\*\*

### در حکم عبادت کردن با خواندن اذکار و اوراد بدعی و شرکی

از سوی عبد العزیز بن عبد الله بن باز، به حضور برادر مکرم (.....)، الله او را برای انجام هر خیری موفق بدارد، آمین.

السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته، اما بعد:

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

نامه‌ی گرامی شما به دستم رسید، الله شما را شامل هدایتش گرداند، و آنچه در آن ذکر شده بود که در سرزمین شما افرادی هستند که به اورادی پایبندند که الله هیچ دلیلی برای آن نازل نکرده است، برخی از آن‌ها بدعت‌آمیز و برخی شرک‌آمیز است، و این را به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه و دیگران نسبت می‌دهند، و این اوراد را در مجالس ذکر یا در مساجد پس از نماز مغرب می‌خوانند، به این گمان که این کار موجب تقرب جستن به الله است، مانند گفتن: «به حق الله، ای مردان الله، با کمک الله به ما یاری رسانید و با الله یارمان باشید».

و همچون گفتارشان: «ای قطب‌ها، ای سروران، ای کسانی که به ما مدد می‌رسانید، پاسخ دهید و نزد الله شفاعت کنید، این بنده‌تان ایستاده و بر درگاه‌تان معتکف بوده و از کوتاهی‌اش هراسان است، ای رسول الله، به فریادمان برسید، و جز شما کسی را ندارم که نزدش بروم، و حاجت از سوی شما برآورده می‌شود، و شما اهل الله هستید، به حق

بر پا داشتن دلایل درباره حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

حمزه سید الشهداء، و از شما برای ما مدد رسانید، ای رسول الله، به فریادمان برسید». و چنانکه می گویند: «بارالها، بر کسی که او را سبب انشقاق اسرار جبروتی و انفلاق انوار رحمانی ات قرار دادی، درود بفرست؛ تا او نایب حضرت ربانی و خلیفه ی اسرار ذاتی ات گردد».

و تمایل شما به بیان اینکه چه چیزی بدعت است و چه چیزی شرک، و آیا نماز پشت سر امامی که این دعا را می خواند صحیح است، یا نه؟

**پاسخ:** ستایش تنها از آن الله است، و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از وی نیست و بر آل و اصحابشان باد و بر تمام کسانی که تا روز قیامت به هدایت او راه یافتند، اما بعد:

بدان - الله توفیقت بدهد - که الله مخلوقات را خلق نموده و پیامبران علیهم السلام را فرستاده تا تنها او را عبادت کنند، بی آنکه شریکی برای

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

او در نظر گرفته شود، چنانکه الله تعالی فرموده است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ  
الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶]، یعنی: (و جن و انس  
را نیافریدم جز برای آنکه مرا عبادت کنند).

و عبادت - چنان که پیشتر بیان شد - عبارت است از: اطاعت از  
خداوند سبحان و اطاعت از پیامبر او محمد صلی الله علیه و سلم؛ با  
انجام آنچه خدا و رسولش به آن دستور داده‌اند و ترک آنچه خدا و  
رسولش از آن نهی کرده‌اند، از روی ایمان به خدا و رسولش و اخلاص  
در عمل برای خدا، همراه با نهایت محبت به خدا و کمال فروتنی تنها  
در برابر او نه در برابر هیچ کسی دیگر؛ چنان که خداوند تعالی فرموده  
است: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ...﴾ [الإسراء: ۲۳]، یعنی: (و  
پروردگارت چنین فرمان داده است که: جز او را عبادت نکنید) یعنی  
امر و توصیه نموده که تنها او عبادت شود.

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

و الله تعالى می فرماید: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾<sup>۲</sup> الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ<sup>۳</sup> مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ<sup>۴</sup> إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ<sup>۵</sup> ﴿ [الفاتحة: ۲-۵]، یعنی: (تمام ستایش‌ها [و سپاس‌ها] از آن الله پروردگار جهانیان است \* بخشندهٔ مهربان است \* مالک روز جزاست \* تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جویم).

الله متعال با این آیات روشن ساخت که تنها او شایستهٔ عبادت و یاری خواستن است، چنانکه می فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَأَعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾<sup>۲</sup> أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ... ﴿ [الزمر: ۲-۳]، یعنی: (این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم؛ پس الله را با خلوص اعتقاد عبادت کن \* و بدان که دین خالص از آن الله است).

و الله متعال می فرماید: ﴿فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾<sup>۱۴</sup> [غافر: ۱۴]، یعنی: ([تنها] الله را با خلوص اعتقاد

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

بخوانید؛ هر چند کافران خوششان نیاید، و الله تعالی می فرماید: ﴿وَأَنَّ

الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ [الجن: ۱۸]، یعنی: (و

اینکه مساجد از آنِ الله است، پس کسی را با الله نخوانید).

آیات در این معنا بسیارند و همه دلالت بر وجوب یگانگی الله در عبادت دارند.

و معلوم است که دعا با انواعی که دارد عبادت محسوب می شود، پس جایز نیست که هیچ انسانی کسی جز پروردگارش را به دعا بخواند، و جز او را به یاری و فریاد بخاهد، و به این آیات کریمه و دیگر آیاتی که در این معنا آمده عمل کند. و این در غیر از امور عادی و اسباب حسی است که مخلوق زنده و حاضر قادر به انجام آن است؛ زیرا این از عبادت محسوب نمی شود، بلکه بنابر نص و اجماع جایز است که انسان از انسان زنده و قادر در امور عادی که او قادر به انجام آن است،



بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

کمک بخواید؛ مانند اینکه از او کمک بخواید یا به فریاد او برسد در دفع شر فرزندش یا خدمتکارش یا سگش و امثال آن.

و مانند اینکه انسان از انسان زنده و حاضر قادر، یا غایب، به واسطه اسباب حسی مانند مکاتبه و امثال آن در ساختن خانه‌اش یا تعمیر ماشینش یا امثال آن کمک بخواید، و از مصادیق آن، فریادخواهی انسان از یارانش در جهاد و جنگ و امثال آن است. و از این باب سخن الله متعال در داستان موسی علیه السلام: ﴿...فَاسْتَعَاثُهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ...﴾ [القصص: ۱۵]، یعنی: (کسی که از قوم او بود، علیه دشمنش از موسی یاری خواست).

اما استغاثه و فریادخواهی از مردگان، جن، فرشتگان، درختان و سنگ‌ها: این از شرک اکبر و از جنس عمل مشرکان نخستین با معبودانشان مانند عزی و لات و غیره است. همچنین یاری‌طلبی و

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

به فریاد خواهی از زندگانی که باور به ولایت آن‌ها در اموری دارند که فقط الله متعال قادر به انجام آن است؛ مانند شفای بیماران، هدایت قلوب، ورود به بهشت، نجات از آتش و امثال آن.

آیات پیشین و دیگر آیات و همچنین احادیثی که در این معنا آمده است: همه دلالت بر وجوب روی کردن دل‌ها به سوی خداوند در تمامی امور و اخلاص در عبادت فقط برای خداوند دارند؛ زیرا بندگان برای این آفریده شده‌اند و به این امر شده‌اند - چنانکه در آیات پیشین آمده است - و همان‌طور که خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا...﴾ [النساء: ۳۶]، یعنی: (و الله را عبادت کنید و چیزی را با او شریک نگردانید).

و می‌فرمایند: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ...﴾ [البينة: ۵]، یعنی: (و [به چیزی] امر نشدند، مگر آن‌که الله را عبادت

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

کنند در حالی که دین را برای او خالص گردانند و به توحید روی آورند).

و سخن پیامبر صلی الله علیه و سلم در حدیث معاذ رضی الله عنه:  
«حق الله بر بندگان این است که او را عبادت کنند و چیزی را با او شریک نیاورند». بخاری و مسلم در صحت آن اتفاق دارند.

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم در حدیث ابن مسعود رضی الله عنه فرمودند: «هر کسی بمیرد درحالی که همراه الله شریکی می خواند،

داخل آتش (جهنم) می شود». به روایت بخاری.

و در صحیحین از حدیث ابن عباس رضی الله عنهما آمده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگامی که معاذ را به یمن فرستاد به او فرمود: «تو به نزد گروهی از اهل کتاب می روی، پس اولین چیزی که

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

آنان را به سویش دعوت می کنی، شهادت لا اله الا الله باشد». و در لفظی دیگر آمده است: «آنان را به گواهی دادن به اینکه معبودی به حق جز الله نیست و اینکه من فرستاده الله هستم دعوت کن». و در روایتی دیگر از بخاری آمده که: «پس اولین چیزی که آنان را به سوی آن دعوت می کنی این باشد که خدا را به یگانگی عبادت کنند».

و در صحیح مسلم از طارق بن اشیم اشجعی رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «کسی که «لا اله الا الله» بگوید و به آنچه جز الله عبادت می شود کفر ورزد؛ مال و خونس حرام می شود و حساب او بر عهدهٔ الله جل جلاله خواهد بود». و احادیث در این معنا پرشمار است.

و این توحید اصل دین اسلام و اساس امت اسلامی است، و رأس امر و مهم ترین فرائض است، و حکمت از خلقت انسانها و جنیان و

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

حکمت از ارسال تمامی پیامبران علیهم السلام است، همانطور که آیتی که دلالت بر این موضوع دارد پیش تر بیان شد، از جمله: گفتهٔ خداوند سبحان: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶]، یعنی: (و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا عبادت کنند).

از دیگر دلایل این مساله، این سخن الله جل جلاله است که: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...﴾ [النحل: ۳۶]، یعنی: (یقیناً ما در هر امتی، پیامبری را [با این پیام] برانگیختیم که: فقط الله را عبادت کنید و از طاغوت (معبودان غیر الله) دوری کنید).

و الله متعال می فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾ [الأنبياء: ۲۵]، یعنی: (و ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی کردیم که

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

[به مردم بگویند]: معبودی [به حق] جز من نیست؛ پس تنها مرا عبادت کنید).

و الله جل جلاله درباره نوح و هود و صالح و شعيب عليهم السلام می فرماید که به اقوام خود گفتند: ﴿...اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ...﴾ [الأعراف: ۵۹]، یعنی: (الله را عبادت کنید که برای شما معبودی جز او نیست).

و این دعوت همه پیامبران است، چنانکه دو آیه پیشین بر آن دلالت دارند، و دشمنان پیامبران اعتراف کردند که پیامبران آنان را به عبادت الله به یگانگی و ترک معبودان دیگر امر کرده اند، چنانکه در داستان عاد، الله جل جلاله می فرماید که آنان به هود علیه السلام گفتند: ﴿...أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَدْرَ مَا كَانُوا يَعْبُدُ آبَاؤَنَا...﴾ [الأعراف:

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

[۷۰]، یعنی: (آیا به سوی ما آمده‌ای که فقط الله را عبادت کنیم و آنچه را پدرانمان عبادت می کردند رها کنیم؟).

و الله متعال دربارهٔ قریش می فرماید هنگامی که پیامبر ما محمد صلی الله علیه و سلم آنان را به عبادت الله به یگانگی و ترک عبادت فرشتگان، اولیاء، بت‌ها، درختان و غیره دعوت کرد، گفتند: ﴿أَجْعَلِ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ﴾ [ص: ۵]، یعنی: (آیا معبودان [مختلف] را [تبدیل به] معبودی یگانه کرده است؟ این واقعاً چیز عجیبی است)، و الله متعال در مورد آنها می فرماید: ﴿إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ﴾ [الصافات: ۳۵-۳۶]، یعنی: (آنان بودند که وقتی لشاعیرِ مَجْنُونٍ ﴿۳۶﴾ [الصافات: ۳۵-۳۶]، یعنی: (آنان بودند که وقتی به آنان گفته می شد: «معبودی [به حق] جز الله نیست» سرکشی [و

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

تکبیر] می کردند و می گفتند: آیا ما معبودان مان را به خاطر (سخن) شاعری دیوانه رها کنیم؟!).

آیات دلالت کننده بر این معنا بسیارند.

با توجه به آیات و احادیثی که ذکر کردیم: برای روشن می شود - خداوند من و تو را توفیق فهم دین و بصیرت در حق پروردگار جهانیان عنایت کند - که این دعاها و انواع استغاثه و فریادخواهی - که در سؤالات بیان کردی -، همه از انواع شرک اکبر هستند؛ زیرا عبادت غیر خداوند و درخواست اموری است که فقط او قادر به برآورده نمودن آنها است، از مردگان و غایبان، از شرک پیشینیان زشت تر است؛ زیرا پیشینیان تنها در حال آسایش شرک می ورزیدند، و اما در هنگام سختی ها، عبادت را خالصانه برای الله متعال انجام می دهند؛ زیرا می دانستند که او سبحانه و تعالی تنها کسی است که می تواند آنها را از سختی نجات دهد و نه



بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

دیگری، چنانکه الله متعال در کتاب مبین خود درباره‌ی آن مشرکان می‌فرماید: ﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ﴿٦٥﴾﴾ [العنكبوت: ٦٥]، یعنی: (وقتی [مشرکان] در کشتی سوار می‌شوند، الله را با اخلاص می‌خوانند؛ اما چون آنان را به خشکی می‌رساند و [از خطر غرق شدن] می‌رهاند، آنگاه [باز هم] شرک می‌ورزند)، و الله سبحانه و تعالی در آیه‌ی دیگری آنها را چنین مورد خطاب قرار می‌دهد: ﴿وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَهُ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ﴿٦٧﴾﴾ [الإسراء: ٦٧]، یعنی: (و آنگاه که در دریا گزندی به شما می‌رسد، هر کس را [به حاجت‌خواهی] می‌خوانید، ناپدید [و فراموش] می‌گردد، مگر [ذات پاک] او؛ اما وقتی شما را [از خطر مرگ] رهااند و به خشکی رسانند، [از عبادت الله به یگانگی] رویگردان می‌شوید؛ و انسان همواره ناسپاس است).

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

پس اگر یکی از این مشرکان متأخر بگوید: ما باور نداریم آن‌ها به خودی خود و به‌طور مستقل به ما سود می‌رسانند و یا بیماران ما را به خودی خود شفا دهند، یا به خودی خود سود و زیان می‌رسانند، بلکه از آن‌ها می‌خواهیم در رابطه با این قضایا برای ما نزد خداوند شفاعت کنند، پاسخ این است که به او گفته شود: این همان مقصود و هدف کفار نخستین است، و آن‌ها بر این باور نبودند که معبودان‌شان آفریننده یا روزی‌دهنده هستند و یا به خودی خود نفع یا ضرری می‌رسانند، زیرا آنچه الله متعال در قرآن درباره آنان ذکر کرده، این تصور را باطل می‌کند، بلکه آنان خواستار شفاعت و مقام و نزدیک کردن آن‌ها به الله بودند، همان‌طور که الله متعال فرموده است: ﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ...﴾ [یونس: ۱۸]، یعنی: (و [مشرکان] به جای الله چیزهایی را عبادت می‌کنند که نه به آنان زیانی می‌رساند و نه سودی به آنان می‌بخشد و

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

می گویند: اینها، [واسطه‌ها و] شفاعتگران ما نزد الله هستند، و الله متعال در پاسخ به آنها فرمودند: ﴿...قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۱۸﴾﴾ [یونس: ۱۸]، یعنی: [ای پیامبر،] بگو: «آیا [به گمان خود،] الله را از چیزی [شریکی] آگاه می‌سازید که در آسمان‌ها و زمین [برایش قائلید و خود] نمی‌دانند؟» الله تعالی منزّه است و از چیزهایی که با وی شریک می‌سازند، برتر است).

پس خدای سبحان روشن ساخت که در آسمان‌ها و زمین شفيعی نزد او به آن صورتی که مشرکان به آن روی می‌آورند، وجود ندارد؛ و آنچه الله از وجودش آگاه نیست، وجود ندارد؛ زیرا هیچ چیزی از خداوند سبحان پوشیده نمی‌ماند. و الله متعال می‌فرماید: ﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿۱﴾ إِنَّآ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿۲﴾ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

أُولِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ  
فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٣١﴾

[الزمر: ۱-۳]، یعنی: (نزول [این] کتاب از جانب الله شکست‌ناپذیر  
حکیم است \* این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم؛ پس الله را با  
خلوص اعتقاد عبادت کن \* آگاه باشید که دین خالص [و خالی از  
شرک]، از آن الله است و افرادی که غیر الله را [دوست و] کارساز خود  
انتخاب کرده اند [پندارشان این است که: «آنها را فقط به این دلیل  
عبادت می‌کنیم که ما را به الله نزدیک گردانند] و منزلت‌مان را بیشتر  
کنند]، الله در مواردی که با هم اختلاف دارند میان آنان [و موحدان  
راستین] داوری خواهد کرد، بی‌تردید، الله کسی را که دروغگوی  
ناسپاس باشد، هدایت نخواهد کرد).

و معنای دین در اینجا: عبادت است، یعنی: طاعت الله و طاعت  
پیامبر او صلی الله علیه و سلم همان‌طور که قبلاً بیان شد و شامل آن

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

می شود: دعا و استغاثه، و ترس و امید، و ذبح و نذر، همچنین شامل آن می شود: نماز و روزه، و دیگر چیزهایی که الله و رسولش به آن دستور داده اند. پس خداوند سبحانه و تعالی بیان کرد که عبادت تنها برای اوست و بر بندگان واجب است که آن را برای او جل جلاله خالص گردانند؛ زیرا دستور خداوند به پیامبرش برای خالص گرداندن عبادت برای او، دستوری برای همهٔ پیروان این امت است.

پس از آن، خداوند در رابطه با کفار چنین بیان می دارد: ﴿...وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى...﴾ [الزمر: ۳]، یعنی: (و افرادی که غیر الله را [دوست و] کارساز خود انتخاب کرده اند [پندارشان این است که:] آنها را فقط به این دلیل عبادت می کنیم که ما را به الله نزدیک گردانند)، خداوند در پاسخ به آنها می فرماید: ﴿...إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

اللَّهِ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٣﴾ [الزمر: ٣]، یعنی: (الله در مواردی که با هم اختلاف دارند میان آنان [و موحدانِ راستین] داوری خواهد کرد. بی تردید، الله کسی را که دروغگوی ناسپاس باشد، هدایت نخواهد کرد).

الله متعال در این آیه کریمه خبر داده است که کافران از پرستش اولیا در کنار خداوند هدفی ندارند جز اینکه آن‌ها را به الله نزدیک گردانند؛ و این همان هدف کافران در گذشته و حال است، و الله متعال با سخنان خود این باور را باطل نموده است در آنجایی که می‌فرماید: ﴿...إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٣﴾ [الزمر: ٣]، یعنی: (الله در مواردی که با هم اختلاف دارند میان آنان [و موحدانِ راستین] داوری خواهد کرد. بی تردید، الله کسی را که دروغگوی ناسپاس باشد، هدایت نخواهد کرد).

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

خداوند سبحانه و تعالی به روشنی دروغ بودن ادعای آنان که

می گویند معبودان شان آنها را به خدا نزدیک می کنند و همچنین کفرشان بنخاطر عبادتی که به آن معبودان اختصاص داده اند را بیان کرده است. و بدین ترتیب، هر کسی که اندکی قدرت تشخیص داشته باشد، می داند که کفر کافران نخستین برای این بود که انبیا و اولیا، درختان و سنگ ها و دیگر مخلوقات را به عنوان واسطه و شفیع میان خود و خداوند قرار می دادند.

و همچنین خداوند این اعتقادشان که آنان بدون اذن و رضایت او سبحانه و تعالی، نیازهایشان را برآورده می کنند، همان گونه که وزرا نزد پادشاهان شفاعت می کنند، را تکذیب کرده است، زیرا آنان او جل جلاله را با پادشاهان و رهبران قیاس کردند. و گفتند: همانگونه که اگر کسی خواسته ای از پادشاه و رهبر داشته باشد، نزدیکان و وزرایش را

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

شفیع و واسطه قرار می دهد، ما هم با توسل به عبادت پیامبران و اولیا به خداوند نزدیک می شویم، و این از باطل ترین باطل ها است؛ زیرا خداوند سبحان هیچ شبیهی نداشته و با مخلوقاتش قیاس نمی شود، و هیچ کسی نزد او شفاعت نمی کند جز با اذن و ارادهٔ او، و او نیز به کسی جز اهل توحید اجازهٔ شفاعت نخواهد داد، و خدای سبحان بر هر کاری توانا و بر هر چیزی دانا است و او مهربان ترین مهربانان است، از کسی بیم و هراس ندارد زیرا او بر بندگانش چیره بوده و هر گونه بخواهد در مورد آنها تصرف می کند. بر خلاف پادشاهان و رهبران زیرا آنها قادر به هر کاری نیستند بنابر این نیاز به وزیران و نزدیکان و سربازانی دارند که در مواردی که ناتوان هستند به آنها کمک کنند، کما اینکه نیاز دارند که نیاز نیازمندانی که خود از نیازشان آگاه نیستند را به آنها برسانند، پس نیازمند وزرا و نزدیکانی هستند که برای جلب لطف و رضایت آنها تلاش کنند. اما پروردگار جل جلاله از همه ی آفریدگانش بی نیاز است



بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

و از مادرانشان به آنان مهربان تر است. او حاکم عادل است که هر چیزی را بر اساس حکمت و علم و قدرتش در جای خود قرار می دهد،

بنابراین، به هیچ وجه نمی توان او را با آفریدگانش مقایسه کرد.

و به همین دلیل، الله متعال در کتابش بیان نموده که مشرکان اقرار کرده اند که او خالق و روزی دهنده و تدبیرگر است و اوست که به درمانده پاسخ می دهد و بدی را برطرف می کند و زنده می کند و می میراند و دیگر کارها را انجام می دهد.

و در واقع نزاع و درگیری میان مشرکان و پیامبران بر سر خالص گرداندن عبادت برای الله بوده است، چنانکه الله جل جلاله می فرماید:

﴿وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ...﴾ [الزخرف: ۸۷]، یعنی:

(و اگر از آنها (مشرکان) بپرسی: چه کسی آنها را آفریده است؟ به طور قطع خواهند گفت: الله ما را آفریده است).

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

و الله متعال می فرماید: ﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ  
أَمْنَ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ  
الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدِيرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا  
تَتَّقُونَ ﴿٣١﴾ [یونس: ۳۱]، یعنی: [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: کیست  
که از آسمان و زمین به شما روزی می بخشد؟ یا کیست که بر گوش‌ها  
و دیدگان حاکم است؟ و کیست که [موجود] زنده را از [ماده] بی جان  
بیرون می آورد و [ماده] بی جان مرده را از [موجود] زنده خارج  
می سازد؟ و کیست که کار [جهان و جهانیان] را تدبیر می کند؟ خواهند  
گفت: «الله». پس بگو: آیا پروا نمی کنید؟

آیات در این معنا بسیار است.

قبلا به آیاتی که ثابت می کند که نزاع و درگیری میان پیامبران و  
امت‌هایشان بر سر خالص گرداندن عبادت برای الله بوده اشاره شد،

بر پا داشتن دلایل درباره حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

چنانکه خداوند سبحان می فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...﴾ [النحل: ۳۶]، یعنی: (یقیناً ما در هر امتی، پیامبری را [با این پیام] برانگیختیم که: فقط الله را عبادت کنید و از طاغوت (معبودان غیر الله) دوری کنید)، و همچنین آیات دیگری که در این معنا آمده است.

و الله سبحانه در مواضع بسیاری از کتاب کریمش شأن شفاعت را تبیین نموده است؛ چنانکه می فرماید: ﴿...مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ...﴾ [البقرة: ۲۵۵]، یعنی: (کیست که نزد او جز به فرمانش شفاعت کند؟)، و الله عزوجل می فرماید: ﴿وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى﴾ [النجم: ۲۶]، یعنی: (و چه بسیار فرشتگانی که در آسمانها هستند که شفاعت آنها هیچ سودی نمی بخشد، مگر پس از

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

آنکه الله برای هرکس که بخواهد اجازه دهد و راضی باشد).

و در وصف فرشتگان فرمود: ﴿...وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ وَهُمْ

مِنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ﴾ [الأنبياء: ۲۸]، یعنی: (و آنان جز برای

کسی که [الله] پسندد [و از او راضی باشد] شفاعت نمی کنند و خود

از بیم او هراسانند).

و الله متعال خبر داده است که کفر را از بندگانش نمی پسندد و تنها

شکر را از آنان می پسندد، و شکر همان توحید و عمل به طاعت اوست؛

الله متعال می فرماید: ﴿إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَنِّي وَعَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ

لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ...﴾ [الزمر: ۷]، یعنی: (اگر

ناسپاسی کنید، [بدانید که] الله از شما بی نیاز است و هرگز ناسپاسی

بندگانش را نمی پسندد؛ و اگر شکر او را به جای آورید، این کار را

برایتان می پسندد).

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

و بخاری در صحیح خود از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده که گفت: ای رسول خدا! سعادت‌مندترین مردم به شفاعت شما چه کسی است؟ فرمود: «کسی که «لا اله الا الله» را خالصانه از دل بگوید». یا فرمودند: «از خودش».

و در صحیح از انس رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «لِكُلِّ نَبِيٍّ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ، فَتَعَجَّلْ كُلُّ نَبِيٍّ دَعْوَتَهُ، وَإِنِّي اخْتَبَأْتُ دَعْوَتِي شَفَاعَةً لِّأُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَهِيَ نَائِلَةٌ - إِنْ شَاءَ اللَّهُ - مَنْ مَاتَ مِنْ أُمَّتِي لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا»: یعنی: «هر پیامبری دعایی مستجاب دارد که آن را (در دنیا) تعجیل کرده و اجابت شده است؛ و من دعایم را برای شفاعت امتم در روز قیامت ذخیره کردم و این شفاعت - ان شاء الله - شامل حال کسی از امتم می‌شود که بدون شرک به خداوند از دنیا برود». و احادیث در این معنا پرشمار است.

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

و تمام آیاتی که ذکر کردیم و احادیثی که آمده‌اند، همه دلالت بر این دارند که عبادت تنها حق الله است و نباید هیچ بخشی از آن را به غیر الله اختصاص داد، نه به پیامبران و نه به غیر آنان؛ و شفاعت ملک خداوند جل جلاله است، همانگونه که می‌فرماید: ﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا...﴾ [الزمر: ۴۴]، یعنی: (همه‌ی شفاعت‌ها برای الله است).

و هیچ کس شایسته‌ی آن نیست مگر با اجازه‌ی او از شفاعت‌کننده، و رضایت او از کسی که شفاعت برای وی انجام می‌شود، و او سبحانه و تعالی جز توحید را نمی‌پسندد همان‌طور که قبلاً ذکر شد.

بنابراین: مشرکان سهمی در شفاعت ندارند و الله متعال این را در این فرمودهٔ خود بیان کرده است: ﴿فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ﴾ [المدثر: ۴۸]، یعنی: (پس شفاعتِ شفاعت‌کنندگان سودی به آنها نمی‌بخشد)، و الله متعال می‌فرماید: ﴿...مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا

بر پا داشتن دلایل درباره حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

شَفِيعٌ يُطَاعُ ﴿١٨﴾ [غافر: ۱۸]، یعنی: [در آن روز] ستمگران نه دوستی

مهربان دارند و نه شفيعی که سخنش پذیرفته شود).

و مشخص است که هر گاه ظلم به طور مطلق ذکر شود منظور از آن همان شرک ورزیدن به الله متعال است، چنانکه الله متعال می فرماید:

﴿...وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [البقرة: ۲۵۴]، یعنی: (و کافران

همان ظالمان هستند)، و الله متعال می فرماید: ﴿...إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ

عَظِيمٌ﴾ [لقمان: ۱۳]، یعنی: (همانا شرک ظلمی بس بزرگ است).

اما آنچه در سؤال ذکر کردید: از قول برخی از صوفی ها در مساجد و غیره: «بارالها، بر کسی که او را سبب شکافتن اسرار جبروتی و تابیدن

انوار رحمانی ات قرار دادی، تا جایی که حضرت ربانی و خلیفه ی اسرار

ذاتی ات گشته درود بفرست»... الخ

پاسخ این است: باید گفت که این سخن و امثال آن از جمله تکلف

بر پا داشتن دلایل درباره حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

و افراط است؛ که پیامبر ما محمد صلی الله علیه وسلم از آن برحذر داشته است؛ چنان که مسلم در صحیح خود از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هَلَكَ الْمُتَنَطِعُونَ»: یعنی: «اهل سخت گیری [و غلو] هلاک شدند» این را سه بار تکرار نمود.

امام خطابی رحمه الله گفته اند: المتنطع: کسی که در امری به تعمق فرو می رود و به تکلف در جستجوی آن می پردازد؛ مانند مذاهب اهل کلام که وارد اموری می شوند که به آنها مربوط نیست و در مسائلی که عقلشان به آن نمی رسد، به بحث و جدل می پردازند.

و ابو السعادات ابن اثیر گفته اند: آنان کسانی هستند که در سخن گفتن به افراط و غلو می پردازند و با ته حلق خود سخن می گویند. این اصطلاح از «نطع» گرفته شده که به معنای سقف بالایی دهان است،



بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

و سپس در مورد هر کسی که در گفتار و کردار به تعمق فرو می رود، به کار رفته است.

و با آنچه این دو امام زبان شناس و لغوی ذکر کرده اند، برای تو و هر کسی که اندک بصیرتی دارد، روشن می شود که این شیوه در درود و سلام بر پیامبر و سرور ما رسول الله صلی الله علیه وسلم از جمله تکلف و افراطی است که از آن نهی شده است. آنچه برای مسلمان در این رابطه مشروع است این است که جوایب کیفیت نمازی که از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده و روش سلام و درود فرستادن بر ایشان باشد، این ها برایش کافی بوده و نیاز به چیز دیگری ندارد.

و از آن جمله: آنچه بخاری و مسلم در کتاب های صحیح خود از کعب بن عُجره رضی الله عنه روایت کرده اند، که صحابه رضی الله عنهم گفتند: ای رسول الله! خداوند ما را امر کرده که بر شما درود

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

بفرستیم؛ پس چگونه بر شما درود بفرستیم؟ ایشان فرمودند: بگوئید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ

وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ

مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»

یعنی: (یا الله، بر محمد و آل محمد درود بفرست، همانطور که بر

ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، تو ستوده و بزرگواری، و بر محمد

و آل محمد برکت بفرست، همانطور که بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت

فرستادی، تو ستوده و بزرگواری).

و در صحیحین از ابوحمید ساعدی رضی الله عنه روایت است که

گفتند: یا رسول الله! چگونه بر شما درود بفرستیم؟ ایشان فرمود:

بگوئید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَوْلَادِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ

عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَوْلَادِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا بَارَكْتَ

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ» یعنی: (یا الله، بر محمد درود بفرست و بر همسران و ذریتش، چنانکه بر آل ابراهیم درود فرستادی و بر محمد و بر همسران و ذریتش برکت ارزانی دار، چنانکه بر آل ابراهیم برکت ارزانی داشتی، همانا تو ستوده شده و بسیار بلند مرتبه‌ای).

و در صحیح مسلم از ابومسعود انصاری رضی الله عنه روایت است که بشیر بن سعد گفت: ای رسول الله! خداوند به ما امر کرده که بر شما درود بفرستیم؛ پس چگونه بر شما درود بفرستیم؟ ایشان سکوت کردند سپس فرمودند: بگویند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ، وَالسَّلَامُ كَمَا عَلِمْتُمْ»، یعنی: (یا الله، بر محمد و آل محمد درود بفرست، همانطور که بر آل ابراهیم درود فرستادی و بر محمد و آل

بر پا داشتن دلایل درباره حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

محمد برکت بفرست، همانطور که بر آل ابراهیم در میان جهانیان برکت فرستاده‌ای، تو ستوده و بسیار بلند مرتبه‌ای، و سلام، آنگونه است که دانسته‌اید).

پس شخص مسلمان باید این الفاظ و امثال آنها و دیگر الفاظی که از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده است را در سلام و درود فرستادن بر رسول الله صلی الله علیه وسلم به کار ببرد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم داناترین مردم به آن چیزی است که شایسته است در حق او به کار برده شود، همان طور که او داناترین مردم به الفاظی است که بنده بایستی در برابر پروردگار خود به کار بیند.

اما گفتار متکلف و نوظهور و الفاظی که احتمال معنای نادرست دارند؛ مانند الفاظی که در سؤال ذکر شده است، نباید به کار برده شوند؛ زیرا در آنها تکلف وجود دارد و ممکن است به معانی باطل

بر پا داشتن دلایل درباره حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

تفسیر شوند، و با الفاظی که رسول الله صلی الله علیه و سلم برگزیده و به امت خود ارشاد نموده است، مخالف هستند، در حالی که او داناترین و خیرخواه‌ترین و دورترین از تکلف در میان خلق است، بر او از جانب پروردگارش بهترین درودها و سلام‌ها باد.

امیدوارم ادله‌ای که در بیان حقیقت توحید و شرک و تفاوت میان باورهای مشرکان نخستین و مشرکان متأخر در این باب ذکر کردیم، و کیفیت درست درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و سلم کافی بوده و برای حق‌جویان قانع‌کننده باشد. اما کسی که تمایلی به شناخت حق ندارد؛ این شخص تابع هوای نفس خود است، الله جل جلاله می‌فرماید: ﴿فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [القصص: ۵۰]، یعنی: (پس اگر [این سخن] تو را نپذیرفتند، بدان که آن‌ها فقط از هوس‌های خود پیروی می‌کنند، و

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

گمراه‌تر از آن کس که هوای نفس خویش را بدون [هیچ] هدایتی از [سوی] الله پیروی می کند؛ کیست؟! بی گمان الله گروه ستمکاران را هدایت نمی کند).

و الله متعال در این آیه کریمه بیان نموده که: مردم در برابر هدایت و دین حقی که برای پیامبرش محمد صلی الله علیه وسلم فرستاده است به دو گروه تقسیم می شوند:

یکی از آن دو: آنانی که خدا و رسولش را استعجابت کرده‌اند.

و دوم: تابع هوای نفس خود است؛ سپس خدای سبحان بیان نمود که هیچ کس گمراه‌تر از کسی نیست که بدون هدایت الهی از هوای نفس خود پیروی کند.

از الله جل جلاله خواهانیم که ما را از پیروی هوا و هوس مصون دارد و ما و شما و سایر برادرانمان را از کسانی قرار دهد که ندای الله و

بر پا داشتن دلایل دربارهٔ حکم کسی که از غیر خدا طلب یاری می کند

پیامبرش صلی الله علیه وسلم را اجابت می کنند و شریعت او را بزرگ می دارند و از هر آنچه با بدعت‌ها و خواهش‌های نفسانی که با شریعت او مخالف است بر حذر می شوند. او بخشنده و سخاوتمند است.

و درود و سلام الله بر بنده و رسولش؛ پیامبر ما محمد و بر خاندان و اصحاب او و پیروانش که به نیکی از او پیروی کردند تا روز قیامت.

\*\*\*



# رسالة الحرمين

## پیام الحرمین

محتوای راهنما برای زیارت کنندگان مسجدالحرام و مسجدالنبی به زبان‌های مختلف

